

# ساختار کتاب

کتاب شب امتحان فارسی (۱) دهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، می‌توانید تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

**ب) آزمون طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

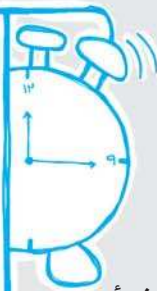
(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آنچه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند. در این قسمت تمام آنچه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فارسی (۱) نیاز دارید، تنها در ۹ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!



## بازم‌بندی درس فارسی (۱)

نوبت دوم	نوبت اول	قلمروها
نمره ۷	نمره ۷	زبانی
نمره ۵	نمره ۵	ادبی
نمره ۸	نمره ۸	فکری

بازم‌بندی آزمون نوبت دوم به نسبت ۶ نمره (نوبت اول) / ۱۴ نمره (نوبت دوم) از کل کتاب خواهد بود.

## فهرست

صفحه نوبت آزمون	صفحه پاسخ‌نامه	نوبت	توضیحات
۳	۳۱	اول	آزمون شماره ۱ (طبقه‌بندی شده)
۵	۳۱	اول	آزمون شماره ۲ (طبقه‌بندی شده)
۷	۳۱	اول	آزمون شماره ۳ (طبقه‌بندی نشده)
۹	۳۲	اول	آزمون شماره ۴ (طبقه‌بندی نشده)
۱۱	۳۲	دوم	آزمون شماره ۵ (طبقه‌بندی شده)
۱۴	۳۳	دوم	آزمون شماره ۶ (طبقه‌بندی شده)
۱۷	۳۳	دوم	آزمون شماره ۷ (طبقه‌بندی شده)
۲۰	۳۴	دوم	آزمون شماره ۸ (طبقه‌بندی شده)
۲۳	۳۴	دوم	آزمون شماره ۹ (طبقه‌بندی نشده)
۲۵	۳۴	دوم	آزمون شماره ۱۰ (طبقه‌بندی نشده)
۲۷	۳۵	دوم	آزمون شماره ۱۱ (طبقه‌بندی نشده)
۲۹	۳۵	دوم	آزمون شماره ۱۲ (طبقه‌بندی نشده)
			<b>درس‌نامه توپ برای شب امتحان</b>
			<b>۳۶</b>

شماره	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)
ردیف	<b>آزمون شماره ۱</b>			
<b>ستایش و درس اول</b>				
۱	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. تویی رزاق هر پیدا و پنهان		
۲	۰/۲۵	عبارت‌های زیر را معنی کنید. الف) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی ب) نعره برآورده فلک کرده کر پ) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا		
۳	۰/۲۵	غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا	«الهی نامه» اثر کیست؟	
<b>درس دوم</b>				
۴	۰/۱۵	عبارت‌های زیر را معنی کنید. الف) همه کس را به سزا حق شناس باش، خاصه قرابت خویش را. ب) این قدر از من حرف نگیر.		
۵	۰/۲۵	معنی واژگان مشخص شده را بنویسید. الف) هر که داد از خویشان بدهد، از داور مستغنی باشد. ب) رنج هیچ کس ضایع مکن.		
۶	۰/۱۵	در میان واژگان زیر نادرستی‌های املائی را بیابید و اصلاح کنید. فروغ - تیمارداشتن - غرابت و خویشان - حیات خانه - طاقت و توان - سرطاس بنا - آرام و با احتیاط - سراسیمه		
۷	۰/۱۵	در کدام گزینه نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. ۱) نگاهش آرام و حرکاتش و زندگی‌اش بی تلاطم بود و خیالش تخت. ۲) از دیوار و بنا و امله‌ها نفرتش می‌گرفت.		
۸	۰/۱۵	با توجه به قسمت‌های مشخص شده آرایه ادبی هر یک را بنویسید. الف) چشم‌های خواب‌آلود و حیرت‌زده خود را باز کرد و محو تماشا شده بود. ب) اما بهمن به کار خود سرگرم بود.		
<b>درس سوم</b>				
۹	۰/۱۵	معنی عبارت‌های زیر را بنویسید. الف) هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حضيض هم می‌توان عزیز بود. ب) شفق آینه‌دار نجابت / و فلق، محرابی که تو در آن / نماز صبح شهادت گزارده‌ای.		
۱۰	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. مرگت چنان زندگی را به <u>سخره</u> گرفت.		
۱۱	۱	در سروده زیر دو ترکیب با ساختار «هسته + وابسته + وابسته» مشخص کنید. «آه ای مرگ تو معیار! / مرگت چنان زندگی را به <u>سخره</u> گرفت / و آن را بی‌قدر کرد / که مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد / ... / تو تنها تر از شجاعت / در گوشه روشن وجدان تاریخ ایستاده‌ای / به پاسداری از حقیقت»		
۱۲	۰/۱۵	در شعر زیر یک «مجاز» و یک «تشخیص» نشان دهید. خونت / با خون بهایت، حقیقت / در یک تراز ایستاد / و عزمت، ضامن دوام جهان شد.		
<b>درس پنجم</b>				
۱۳	۰/۱۵	در بیت «زین کاروان سرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد» معنای استعاری کلمات مشخص شده را بنویسید.		
۱۴	۰/۲۵	تا سختی کمان شما نیز بگذرد	در ابیات زیر تشبیه و تضاد را نشان دهید.	
۱۵	۰/۲۵	بیداد ظالمان شما نیز بگذرد	الف) بر تیر جورتان ز تحمل سیر کنیم ب) چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد	
۱۵	۰/۱۵	در بیت «ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد» منظور از «رمه» و «چوپان گرگ‌طبع» چیست؟		
۱۶	۰/۲۵	ادبیات ..... خواننده را به ایستادگی در برابر ظلم فرا می‌خواند.		
۱۷	۰/۲۵	سیف‌الدین محمد قزغانی شاعر کدام قرن است؟ همه قرن‌ها رو نیازی نیست یادگیری، فقط همون‌ها که در فاصله درس نوشتیم کافیه.		
۱۸	۰/۱۵	ابیات زیر را کامل کنید. الف) دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین ب) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن		

شماره	کheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)
ردیف	آزمون شماره ۱			نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم
<b>درس ششم</b>				
۱۹	۰/۵	معنی بیت زیر را بنویسید. گرت هواست که معشوق ننگسلد پیمان	نگاه دار سر رشته تا نگه دارد	۱
۲۰	۰/۵	نقش دستوری ضمایر پیوسته (متصل) را در موارد زیر مشخص کنید. الف) ای صبحدم، ببین که کجا می‌فرستم	ب) گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت هوش	۰/۵
۲۱	۰/۵	کنایه را در بیت زیر نشان دهید و مفهوم آن را بنویسید. دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای	فرشته‌هاست به دو دست دعا نگه دارد	۰/۵
۲۲	۰/۵	نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست	که آشنا سخن آشنا نگه دارد	۰/۵
۲۳	۰/۵	تفاوت معنایی واژه «معاش» را در موارد زیر بررسی کنید. الف) دلا! معاش چنان کن که گر بلغزد پای ب) تعلیم ز اژه گیر در امر معاش	فرشته‌هاست به دو دست دعا نگه دارد نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش	سوالات تفاوت معنایی واژگان از کارگاه متن پژوهی بخش قلمرو زبانی مطرح می‌شود.
<b>درس هفتم</b>				
۲۴	۰/۷۵	معنی عبارت زیر را بنویسید. قصه حال یوسف را نیکو نه از حسن صورت او گفت، بلکه از حسن سیرت او گفت.		۰/۷۵
۲۵	۰/۲۵ ۰/۵	نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. الف) ای دوست! درمان کار خود کن. ب) در آب، حیات تن‌ها بود و در قرآن حیات دل‌ها بود.		۰/۲۵ ۰/۵
۲۶	۰/۲۵	در عبارت زیر، واژه‌های مشخص شده کدام آرایه ادبی را پدید آورده‌اند؟ «در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است.»	وقتی زیر دو یا چند کلمه فاعل کشیده شده و از شما خواسته می‌شود تا «آرایه ادبی» رو پیدا کنید؛ دقت کنید که یک آرایه مدنظر بوده؛ اما اگر از شما خواستن «آرایه‌های ادبی» رو پیدا کنید؛ هر کدام از کلمات مشخص شده رو جداگانه بررسی کنید.	۰/۲۵
۲۷	۰/۵	در عبارت زیر «مشبه و مشبه‌به» را نشان دهید. «قرآن مانند است به بهشت جاودان»		۰/۵
۲۸	۰/۲۵ ۰/۵	تفسیر سوره یوسف اثر کیست؟		۰/۲۵ ۰/۵
۲۹	۰/۵ ۰/۵	ابیات زیر را کامل کنید. الف) گه نعره زدی بلبل، گه جامه دریدی گل ب) ..... بعد از تو روا باشد، نقض همه پیمان‌ها		۰/۵ ۰/۵
<b>درس هشتم</b>				
۳۰	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. رقعه‌ای نوشتم و عذری خواستم.		۰/۲۵
۳۱	۰/۵	با توجه به درس «سفر به بصره» دو دلیل برای این‌که ناصر خسرو دعوت وزیر را نپذیرفت، ذکر کنید.	برای پاسخ‌دادن به این شکل سوالات باید داستان هر درس رو در ذهن داشته باشی، بهترین راه یادگیری داستان هر درس، اینه که بدون توجه به کلمات سخت متن فقط متن رو روزنامه‌ای بقونی و ببینی هابرای درس از چه قراره!	۰/۵
۳۲	۰/۵	بیت زیر آدمی را به چه چیزی توصیه می‌کند؟ گفتم: «این شرط آدمیت نیست مرغ، تسبیح‌گوی و من خاموش»		۰/۵
۳۳	۰/۷۵	عبارت زیر را معنی کنید. دست‌تنگ بود و وسعتی نداشت که حال مرا مرمتی کند.		۰/۷۵
<b>درس نهم</b>				
۳۴	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. از بال و غارب به زیر آمد.		۰/۲۵
۳۵	۰/۵	عبارت زیر را معنی کنید. گوزن را رعنا رقم می‌زد، خرگوش را چابک می‌بست.		۰/۵
جمع نمرات	۲۰	موفق باشید		

شماره	رشته: کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	فارسی (۱)
ردیف	آزمون شماره ۹			نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم
۱	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵
۲	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵
۳	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵
۴	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵
۵	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵
۶	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵
۷	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
۸	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
۱۳	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
۱۴	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
۱۵	۱	۱	۱	۱
۱۶	۱	۱	۱	۱

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)	ردیف
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم		<b>آزمون شماره ۹</b>		
۰/۵	بیت زیر را از شیوه بلاغی برگردانید و به شیوه عادی بنویسید. همّت بلند دار که نزد خدا و خلق باشد به قدر همّت تو اعتبار تو			۱۷	
۰/۵	(ب) حفظ شعر (۲ نمره) ابیات زیر را کامل کنید. الف) نه خدا توانمش خواندنه بشر توانمش گفت			۱۸	
۰/۵	کوتاه نظری باشد رفتن به گلستان‌ها				
۰/۵	پ) فلک در شگفتی ز عزم شماس				
۰/۲۵	کدام بیت درست آمده است؟ ۱) دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین ۲) به مردی به میدان نهادند روی			۱۹	
۰/۲۵	مصرع زیر را مرتب کنید. تا - بشکستم - تو - عهد - دربستم - عهد - همه			۲۰	
۰/۲۵	قلمرو فکری (۸ نمره) الف) درک مطلب (۴ نمره) در کدام بیت بر یگانه پرستی تأکید شده است؟ ۱) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت ۲) جز از جام توحید هرگز نوشم			۲۱	
۰/۲۵	در ابیات زیر قسمت مشخص شده چه مفهومی دارد؟ الف) برآهیخت رهام گرز گران غمی شد ز پیکار دست سران ب) میندار این شعله افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من پ) پی بردیم که راه دست خودش هم نیست و این بار اتاق از جا کنده شد.			۲۲	
۰/۵	در سروده «تو را آب‌ها و خوشه‌ها و ستاره غروب نامیدم» چرا شاعر «جنوب» را «آب‌ها و خوشه‌ها» می‌نامد؟			۲۳	
۰/۲۵	در عبارت «هیچ آفریده‌ای نشان‌دهنده او نیست» منظور از «او» چیست؟			۲۴	
۰/۵	با توجه به متن زیر، «دست به روی فروآوردن» نشانه چیست؟ «معرف بر پای خاست و گفت: خدایش بیامرزد که هر کسی از آن‌جا که هست، یک گام فراتر آید. شیخ دست به روی فروآورد و گفت: هر چه ما خواستیم گفت و همه پیغمبران بگفته‌اند؛ او بگفت.»			۲۵	
۱	مفهوم هر بیت را از نظر درست یا نادرست بودن بررسی کنید. در صورت اشتباه، مفهوم درست را بنویسید. الف) خروش سواران و اسپان زدشت ز بهرام و کیوان همی برگذشت: (شدت نبرد) ب) در خطاب آدمی ناطق بدی در نوای طوطیان حاذق بدی: (انسان خوش‌سخنی بود).			۲۶	
۰/۵	در عبارت «اعمال ما به ما وابسته است، هم‌چنان که روشنایی فسفر به فسفر. راست است که ما را می‌سوزاند، اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می‌آورد.» منظور از «ما را می‌سوزاند» چیست؟			۲۷	
۰/۵	(ب) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره) عبارت‌های زیر را به نثر روان معنی کنید. تخت‌ها کفاف مجروحان را نمی‌داد. خاک مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است. خلف صدق نیاکان هنرور خود بود. از آموختن ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی.			۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱	
۰/۵	(ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره) اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید. خونت / با خون بهایت حقیقت / در یک تراز ایستاد			۳۲	
۰/۵	راست بهمانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله			۳۳	
۱	مرا مادرم نام مرگ تو کرد زمانه مرا پتک ترگ تو کرد			۳۴	
۲۰	جمع نمرات		موفق باشید		

# پاسخنامه تشریحی

## آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- روزی دهند
- ۲- الف) هرگونه که توصیف کنم، تو باز هم بالاتر از آن هستی.  
ب) فریادش آن قدر بلند بود که گوش آسمان را کر کرده بود.  
پ) چشمه پرشور، زلال و شتابنده‌ای از سنگی جدا و جاری شد.
- ۳- عطار نیشابوری
- ۴- الف) به شایستگی، حق همه را بشناس، به ویژه خویشاوندان خود را.  
ب) این قدر مرا وادار به حرف زدن نکن.
- ۵- الف) بی‌نیاز  
ب) تباه، تلف
- ۶- دو واژه «غرابت» و «حیات» نادرست و شکل صحیح آن‌ها «قرابت» و «حیاط» است.
- ۷- گزینه «۲»، «عمله» صحیح است.
- ۸- الف) چشم: مجاز از پلک  
ب) سرگرم: کنایه از مشغول
- ۹- الف) هیچ گودالی به این بلندی و ارزش ندیده بودم. در جای پست هم می‌توان ارزشمند بود.  
ب) سرخی غروب، نجات و پاکی تو را نشان می‌دهد و سپیده‌دم، همان محرابی است که تو در آن نماز صبح روز شهادتت را خوانده‌ای.
- ۱۰- مسخره کردن، ریشخند
- ۱۱- غیبطه بزرگ زندگانی و گوشه روشن وجدان
- ۱۲- «خون»: مجاز از شهادت / «عزم»: مجاز از قیام / «ایستادن خون و حقیقت»: تشخیص
- ۱۳- «کاروان‌سرا» استعاره از «دنیا» و «کاروان» استعاره از «زندگی»
- ۱۴- الف) «تیر جور»: اضافه تشبیهی (جور: مشبه؛ تیر: مشبه‌به)؛ «تحمل سپر کنیم»: تشبیه (تحمل: مشبه؛ سپر: مشبه‌به)
- ب) «داد و بیداد» و «عادلان و ظالمان»: تضاد
- ۱۵- «رمه»: مردم؛ «چوپان گرگ‌طبع»: حاکمان ظالم
- ۱۶- پایداری
- ۱۷- قرن هفتم
- ۱۸- الف) به علی شناختم من به خدا قسم خدا را  
ب) که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
- ۱۹- اگر آرزوی توست که معشوق به عهد و پیمان دوستی با تو وفادار بماند، تو نیز به عشق وفادار باش و ریسمان محبت را نگه دار.
- ۲۰- الف) مفعول (تو را می‌فرستم)  
ب) متمم (به تو گفتم)
- ۲۱- لغزیدن پا: کنایه از انجام کار خطا و گناه
- ۲۲- حدیث: مفعول / آشنا: مضاف‌الیه
- ۲۳- در مورد «الف» معاش به معنای «زندگی» است و در مورد «ب» در معنای «روزی و مایحتاج زندگی» است.
- ۲۴- داستان حال یوسف علیه السلام را نه به خاطر زیبایی ظاهر او بیان کرد، بلکه به خاطر زیبایی باطن او گفت.
- ۲۵- الف) «دوست»: منادا  
ب) «آب»: متمم؛ «دل»: مضاف‌الیه
- ۲۶- سجع
- ۲۷- قرآن: مشبه / بهشت: مشبه‌به
- ۲۸- احمد بن محمد بن زید طوسی
- ۲۹- الف) با یاد تو افتادم، از یاد برفت آن‌ها  
ب) تا عهد تو درستم، عهد همه بشکستم
- ۳۰- نامه
- ۳۱- (۱) نابسامانی اوضاع (۲) با نوشتن نامه‌ای، میزان دانش خود را به وزیر نشان داد تا وزیر او را بالاتر از آنچه هست تصور نکند.
- ۳۲- غافل‌نشدن از یاد خداوند و همواره تسبیح او را گفتن
- ۳۳- فقیر بود و ثروتی نداشت که به من کمک کند.
- ۳۴- میان دو کتف
- ۳۵- گوزن را خوش قامت و خرگوش را چالاک می‌کشید.



آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- بخشش، کرم، نیکویی
- ۲- روش، نوع
- ۳- شاهانه
- ۴- آرزو، عقیده
- ۵- چله کمان، وتر
- ۶- مردان کامل
- ۷- گزینه ۲، «عنان» صحیح است.
- ۸- دو واژه «نقض» و «اشباح» نادرست و شکل صحیح آن‌ها «نغز» و «اشباه» است.
- ۹- الف) بازگرفتن در گذشته به معنی «مهمان کردن» و «نگه داشتن» به کار می‌رفته، اما امروزه به معنی «پس گرفتن» است.
- ب) «شدن» در گذشته به معنای «رفتن» بوده و امروزه فعل اسنادی به معنای «گشتن و گردیدن» است.
- ۱۰- شکل مرتب‌شده بیت: «یک چشمه غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت»؛ «سنگ»: متمم و «جدا» مسند است.
- ۱۱- الف) گرچه (ب) دو جمله (پ) عطف (ت) مسند
- ۱۲- الف) ناتانائیل (ب) نبرده‌سوار
- ۱۳- سلیح: ممال سلاح؛ مزیح: ممال مزاح
- ۱۴- الف) انسان‌های ترسو و بی‌تحزک (ب) امید و زیبایی
- ۱۵- الف) تغییر مسیر دادن (ب) آندوهگین بودن
- ۱۶- الف) «رنگ و ننگ»: جناس ناهمسان (ناقص) (ب) «گرگ‌ها»: استعاره از عراقی‌ها
- ۱۷- همت بلند دار که نزد خدا و خلق، اعتبار تو به قدر همت تو باشد.
- ۱۸- الف) متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را؟ (ب) تا خار غم عشقت آویخته در دامن (پ) ملک، آفرین‌گوی رزم شماست
- ۱۹- گزینه ۲
- ۲۰- تا عهد تو درستم عهد همه بشکستم
- ۲۱- گزینه ۲
- ۲۲- الف) بالا برد (ب) عشق به وطن (پ) خودش هم در این کار مهارت ندارد.
- ۲۳- برای پاک‌بودن، آن را به آب‌ها و برای نعمت و برکت آن، به خوشه‌ها مانند کرده است.
- ۲۴- خداوند
- ۲۵- نشانه تمام‌شدن سخنان شیخ و انتهای مجلس
- ۲۶- الف) درست است.
- ب) نادرست است. مفهوم صحیح این است که طوطی، خوش‌سخن بود.
- ۲۷- ما را دچار سختی می‌کند.
- ۲۸- تخت‌ها برای زخمی‌ها کافی نبود.
- ۲۹- خاک مظهر فقر و نیازمندی آفریده در مقابل بی‌نیازی آفریننده است.
- ۳۰- جانشین راستین اجداد هنرمند خود بود.
- ۳۱- از یادگرفتن شرم نداشته باش تا از شرمندگی نجات یابی.
- ۳۲- خونت با حقیقت که خون‌بهای توست هم‌ارزش است.
- ۳۳- درست مانند زمین‌لرزه، بدنش را به تن ساحل تکیه داده بود.
- ۳۴- مادرم نام مرا مرگ تو نهاده است و زمانه، مرا پتکی برای کلاه‌خود تو کرده است.

# درس نامهٔ توپ برای شب امتحان

## فصل یکم: ادبیات تعلیمی

درس یکم: چشمه

مفاهیم

زهی گویا ز تو، کام و زبانم / تویی هم آشکارا، هم نهانم: چه خوش است که آرزوی قلبی و آن چه بر زبان می‌رانم، دربارهٔ تو باشد، زیرا تو تمام وجودم هستی / **چو در وقت بهار آبی پدیدار / حقیقت پرده برداری ز رخسار؛** وقتی که در فصل بهار نمایان می‌شوی، از چهرهٔ حق (که خودت هستی) نقاب را کنار می‌زنی / **گه به دهان برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف:** گاه کفی چون صدف بر رویش قرار می‌گرفت و گاه مانند تیری که به سوی هدف می‌رود به سرعت حرکت می‌کرد / **راست به مانند یک زلزله / داده تنش بر تن ساحل یله:** درست مانند زمین‌لرزه، بدنش را بر تن ساحل تکیه داده بود / **لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند:** اما چنان مات و مبهوت و ساکت ماند که با آن همه خوش‌زبانی دیگر حرفی برای گفتن نداشت / **آن که حزم زیادت داشت و بارها دست‌برد زمانهٔ جافی را دیده بود، سبک روی به کار آورد:** آن ماهی که محتاط‌تر بود و بارها غارت و چپاول زمانهٔ ستمگر را دیده بود، سریع دست به کار شد. / **هر چند تدبیر در هنگام بلا فایدهٔ بیشتر ندهد؛ با این همه، عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکیاد دشمن، تأخیر صواب نبیند:** هر چند چاره‌اندیشی در هنگام بلا، اغلب بی‌فایده است، با این حال، عاقل از منفعتهای دانش هرگز ناامید نمی‌شود و در دور کردن مکرهای دشمن، تأخیر را درست نمی‌داند.

واژگان

**افلاک:** جمع فلک، آسمان‌ها / **رِزاق:** روزی‌دهنده / **زهی:** هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتنا / **فروغ:** روشنایی، پرتو / **فضل:** لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد - / **کام:** دهان / **برازندگی:** شایستگی / **پیرایه:** زیور و زینت / **تیزپا:** تندرو، تیزرو / **جافی:** ستمگر / **حازم:** محتاط / **خیره:** سرگشته، حیران، فرומانده / **دست‌برد:** هجوم و حمله؛ **دست‌برد دیدن:** مورد حمله و هجوم قرارگرفتن / **شکن:** پیچ و خم زلف / **صورت‌شدن:** به نظر آمدن، تصوّرشدن / **غُلغُلُه‌زن:** شور و غوغاکنان / **فرج:** گشایش، گشایش در کار و از میان رفتن غم و رنج / **گلبن:** بوته یا درخت گل، به ویژه بوتهٔ گل سرخ / **معرکه:** میدان جنگ، جای نبرد / **مفتاح:** کلید / **مکاید:** جمع مکیدت، مکرها، حيله‌ها / **میعاد:** وعده، قرار؛ **میعادنهادن:** قرارگذاشتن / **نادره:** بی‌همتا، شگفت‌آور / **نمط:** روش، طریقه؛ **زین نمط:** بدین ترتیب / **نیلوفری:** صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی؛ در متن درس، مقصود از «پردهٔ نیلوفری»، آسمان لاجوردی است. / **وَرطه:** گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری / **هنگامه:** غوغا، داد و فریاد، شلوغی / **یله:** رها، آزاد؛ **یله‌دادن:** تکیه‌دادن

نکات زبانی، ادبی و فکری

**املاهای مهم:** رِزاق / زهی / فروغ / غلغله / معرکه / حامل / زهره‌در / نعره / نمط / یله / ورطه / خصلت / فضل / عجایب / خلاق / حازم و محتاط / حزم و احتیاط / وعده و میعاد / ذخیرت تجربت / وقت حیلت / صواب ندیدن تأخیر / وقت ثبات / صورت‌شدن و به نظر آمدن / احوال / چیره و غالب / مدهوش و پای‌کشان

**واژهٔ «همسری»** در مصراع «کیست کند با چو منی همسری» به معنی «برابری» است، اما امروزه این واژه در معنی «ازدواج» به کار می‌رود.

**واژهٔ «راست»** در مصراع «راست به مانند یکی زلزله» به معنی «دقیقاً» است، اما امروزه این واژه در معنی «سمت راست یا سخن راست» به کار می‌رود.

در شعر «چشمه»، «چشمه» نماد انسان‌های مفروز و متکبر است.

در مصراع «از خجلی سر به گریبان برد»، «سر به گریبان بردن» کنایه از «شرمندگی» است.

**حسن آمیزی:** آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس با پدیده‌ای ذهنی (انتزاعی)، در کلام را «حسن آمیزی» می‌گویند؛ مانند: حرف‌هایم مثل یک تگه چمن روشن بود (روشن بودن حرف) / کز همه شیرین سخنی گوش ماند (شیرینی سخن)

در بیت «خواست کز آن ورطه قدم درکشد / خویشتن از حادثه برتر کشد»، «قدم درکشیدن» و «خویشتن برتر کشیدن» به معنی خود را رها کردن و نجات‌دادن است.

**مجاز:** هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیرحقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیرحقیقی آن، «مجاز» می‌گویند. «حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز» به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیرحقیقی، به شرط آن‌که میان معنای حقیقی و معنای غیرحقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛ مثال:

**پیش دیوار آن چه گویی، هوش دار / تا نباشد در پس دیوار، گوش** (گوش: مجاز از انسان سخن‌چین)

**ما را سر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی تفرّج آن جاست** (سر: مجاز از قصد و اندیشه)

**عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت / فتنه‌انگیز جهان، نرگس جادوی تو بود** (نرگس: مجاز از چشم)

**چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من** (مو: مجاز از امواج)

**در بن این پردهٔ نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری** (پردهٔ نیلوفری: مجاز از آسمان لاجوردی)

**قطرهٔ باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک** (خاک: مجاز از زمین)

**خواست کز آن ورطه قدم درکشد / خویشتن از حادثه برتر کشد** (قدم: مجاز از کل وجود)

**لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند** (گوش مجاز قدرت شنوایی)

**«الهی‌نامه»** سرودهٔ عطار نیشابوری و در قالب مثنوی است. / **«کلیله و دمنه»** ترجمهٔ ابوالمعالی نصرالله نیشابوری است.

## درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

مفاهیم

از نیکی کردن میاسا: از نیکی کردن دست‌نکش / به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار: به زبان سخنی نگو که برخلاف عقیده‌ای باشد که در دل داری / در همه کاری داد از خویشتن بده: در همهٔ کارها عدالت را در مورد خودت رعایت کن / به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی: با هر کار بی‌اصل و اساسی، حال و سرشت خود را تغییر ندهی / ولیکن به ایشان موع مباحش: اما شیفتهٔ آن‌ها نباش / بَرّ و بر نگاه می‌کرد اما چیزی دستگیرش نمی‌شد: خیره نگاه می‌کرد، اما چیزی نمی‌فهمید / تعجب برش داشته بود: بسیار تعجب کرده بود. / از تعجب دهانش باز ماند. حیاط‌ها سر به هم آورده و خانه‌هایشان یکی شده بود: بسیار تعجب کرده بود. حیاط خانه‌ها در هم رفته بودند و خانه‌های آن‌ها یکی شده بودند. / چشم‌هایش دیگر نمی‌خندید لب‌هایش شل و آویزان شده بود: چشم‌هایش حالت شادی نداشت و صورتش غمگین بود. / لب برچیده بود: بغض کرده و خیلی ناراحت بود. / این قدر از من حرف نگیر: این قدر مرا وادار به حرف‌زدن نکن. / دلش از غم و درماندگی فشرده شد: وجودش پر از غم و درماندگی شد.

واژگان

**تیمار:** غم، حمایت و نگاهداشت؛ **توجه:** تیمارداشتن / **غم‌خواری و محافظت از کسی که بیمار باشد** یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ **پرستاری و خدمت کردن / ضایع:** تباہ، تلف / **عمَله:** جمع عامل؛ **کارگران:** در فارسی امروز کلمهٔ عمله، به صورت مفرد، به معنی یک تن کارگر زبردست بتنا به کار می‌رود. / **قربانت:** خویشی، خویشاوندی در متن درس، منظور «خویشاوند» است. / **محال:** بی‌اصل، ناممکن، اندیشهٔ باطل / **مستغنی:** بی‌نیاز / **مولع:** بسیار مشتاق، آزمند / **نموده:** نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده / **بَرّ و بر:** خیره / **بَرّاق:** درخشان / **تَلّ:** بُشته، تپه / **خشت:** آجر خام / **یک‌ریز:** بی‌دری / **قاش:** [حجاج] یک قسمت بریده‌شده از خربزه، هندوانه یا میوهٔ دیگر / **در رفتن:** فرار کردن / **طاس:** بدون مو، کچل / **خپله:** چاق و کوتاه‌قد / **رَعشه:** لرزش / **سراسیمه:** هراسان، آشفته





## نکات زبانی، ادبی و فکری

- ❑ **املاهای مهم:** مستغنی / مُحال / تیمار / مولع / قرابت / ضایع / طاس و بی‌مو / عمله و کارگر / لب حوض نشستن / سراسیمه و هراسان
- ❑ گاهی یک واژه ممکن است با ظاهری یکسان در متن، معنایی متفاوت داشته باشد؛ مانند: کتابی که در او داد (حق، انصاف) سخن‌آرایی توان داد (گزارد، انجام داد). عشق شوری در نهاد (سرشت، ذات) ما نهاد (قرار داد).
- ❑ **انواع حذف:** گاهی کلمه یا قسمتی از یک جمله حذف می‌شود، بدون این‌که به معنای جمله آسیبی برسد.
- ❑ حذف دو نوع دارد:

❑ **حذف به قرینه لفظی:** حذف برای پرهیز از تکرار، مانند: «هم‌نشین نیک، بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم‌نشین بد». در این‌جا فعل «است» از پایان جمله دوم حذف شده، زیرا در پایان جمله اول، این فعل وجود دارد.

❑ **حذف به قرینه معنایی:** زمانی که خواننده یا شنونده از مفهوم سخن به بخش حذف‌شده پی ببرد و اصلاً نیازی نباشد که در جمله بیاید؛ مانند: «از نمایشگاه چه خبر؟» در این‌جا فعل «داری» از پایان جمله حذف شده چون شنونده، خود متوجه آن می‌شود.

❑ بهره‌گیری از «مثل» نوشته را عمومی و زیباتر می‌کند و بر تأثیر و نفوذ کلام می‌افزاید.

❑ «**قابوس‌نامه**» اثر عنصرالمعالی کیکاووس است. / **داستان «دیوار»** نوشته جمال میرصادقی است.

❑ «**اثر تعلیمی**» اثری است که با هدف آموزش، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند.

❑ قابوس‌نامه، کلیده و دمنه، گلستان، بوستان و مثنوی و آثار طنز همگی جنبه تعلیمی دارند.

❑ عبارت «**گندم‌نمای جوفروش مباش**» یعنی عملی را انجام نده که ظاهر آن درست اما باطن آن نادرست است.

❑ عبارت «این نقاشی را از روی طبیعت کشیده‌ام» یعنی این نقاشی را با استعداد ذاتی خود کشیده‌ام.

❑ بیت «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند» با عبارت «به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو، که این فعل کودکان باشد.» ارتباط معنایی دارد.

❑ حدیث «حایبوا قبل أن تُحاسِبوا» با عبارت «و اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.» ارتباط معنایی دارد.

## فصل دوم: ادبیات پایداری



### درس سوم: پاسداری از حقیقت

#### مفاهیم

**خون تو، شرف را سرخگون کرده است / شفق، آینه‌دار نجابت / و فلق محرابی که تو در آن نماز صبح شهادت گزارده‌ای؛** شهادت تو به ارجمندی و شرف، ارزش بخشیده است. سرخی غروب نجابت و پاکی تو را نشان می‌دهد و سپیده‌دم، همان محرابی است که تو در آن، نماز صبح روز شهادتت را خوانده‌ای. / **هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم. / در حضيض هم می‌توان عزیز بود؛** هیچ گودالی به این بلندی و ارزش ندیده بودم. در جای پست هم می‌توان ارزشمند بود. / **مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد؛** چنین مردنی، حسرت بزرگ زندگی شد. / **خونت / با خون‌بهایت، حقیقت / در یک تراز ایستاد / و عزم‌ت ضامن دوام جهان شد؛** خونت با حقیقت که خون‌بهای توست هم‌ارزش است (خون تو عین حقیقت است). / **تو تنها تر از شجاعت / در گوشه روشن وجدان تاریخ ایستاده‌ای / به پاسداری از حقیقت / و صداقت؛** تو شجاع‌ترین فرد تاریخ هستی که به‌خاطر پاسداری از حقیقت و راستی، وجدان تاریخ بشریت را روشن کرده‌ای / **شیرین‌ترین لیخند / بر لبان اراده توست؛** تصمیم و اراده تو با لیخند و رضایت همراه است. / **کلاه از سر کودک عقل می‌افتد؛** عقل نمی‌تواند تو را درک کند. / **در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای / با جامی از فرهنگ / و بشریت رهگذار را می‌آشامانی؛** خود در مسیر تاریخ ایستاده‌ای و فرهنگ شهادت را به انسان‌ها می‌آموزی.

#### واژگان

**تالاب:** آبگیر، برکه / **تاور:** تنومند، فریه، قوی جثه / **حضيض:** جای پست در زمین یا پایین کوه / **رفیع:** بلند، مرتفع / **سُخره:** مسخره کردن، ریشخند / **شرف:** آبرو، بزرگواری / **ضامن:** ضمانت‌کننده،

کفیل، برعهده‌گیرنده غرامت / **عامل:** حاکم، والی / **عزم:** قصد، اراده / **عمارت کردن:** بناکردن، آباد کردن، آبادانی / **غبطه:** رشک‌بردن، حال و روز کسی را آرزو داشتن، بی‌آنکه خواهان زوال آن باشم. / **فلق:** سپیده‌صبح، فجر / **نجابت:** اصالت، پاک‌منشی، بزرگواری / **سرخگون:** سرخ‌رنگ / **شفق:** سرخی افق هنگام غروب آفتاب / **آینه‌دار:** کسی که آینه پیش روی کسی نگه دارد تا چهره خود را در آن ببیند. / **گزاردن:** اداکردن، به جا آوردن / **کاینات:** تمام موجودات جهان، مخلوقات / **بی‌قدر:** بی‌ارزش / **حاجت:** نیاز / **خوف:** ترس، وحشت

**املا:** محراب فلق، نمازگزاردن / **گودال رفیع:** حضيض / **غبطه و حسرت:** عامل و حاکم / **عمارت و آبادانی.**

## نکات زبانی، ادبی و فکری

❑ وقتی شاعر یا نویسنده دلیلی غیرواقعی اما ادبی برای موضوعی بیان کند؛ آرایه «**حُسن تعلیل**» پدید می‌آید.

#### نمونه

❑ **بید مجنون** در تمام عمر، سر بالا نکرد / حاصل بی‌حاصلی بُنُود به‌جز شرمندگی / در این بیت، شاعر علت آویزان‌بودن شاخه‌ها و برگ‌های بید را سرافکندگی بید به سبب بی‌حاصلی می‌داند.

❑ درختان را دوست دارم / که به احترام تو قیام کرده‌اند / در این سروده، شاعر علت ایستادن را ادای احترام به امام حسین (ع) می‌داند.

❑ **چو سرو از راستی برزد علم را**

ندید اندر جهان تاراج غم را

علت سرسبزی همیشگی سرو، این است که پرچم راستی را برافراشته است.

❑ **هنگام سپیده‌دم خروس سحری**

دانی ز چه رو همی‌کند نوحه‌گری؟

یعنی که نمودند در آیینۀ صبح

کز عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری

علت این‌که خروس، هنگام صبح شروع به خواندن می‌کند، این است که می‌خواهد بگوید یک شب از عمر گذشت و تو بی‌خبر بوده‌ای.

❑ عبارت «و آب را / که مهر مادر توست» تلمیح دارد به احادیثی که مهریه حضرت زهرا (ع) را آب دانسته‌اند.

❑ شعر «پاسداری از حقیقت» سروده «سید علی موسوی گرماردی» است. این شعر به دلیل داشتن آهنگ، نداشتن وزن عروضی و مشخص نبودن جای قافیه‌ها «شعر سپید» است.

❑ منظور از عبارت «آه، ای مرگ تو معیار!» این است که شهادت امام حسین (ع) معیار جداسدن حق از باطل است.

❑ در عبارت «هر چه در سوی تو حسینی شد / دیگر سو یزیدی» منظور از «حسینی شدن» اهل حق بودن و «یزیدی شدن» اهل باطل بودن است.

در سروده «مرگت چنان زندگی را به سُخره گرفت / و آن را بی‌قدر کرد / که مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد» شاعر معتقد است که «زندگی» به مرگی که بی‌ارزش بودن زندگانی را نشان دهد، غبطه می‌خورد.

موارد زیر یک به یک ارتباط معنایی دارند:

سُرِّفَ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ (ارزش هر جای و جایگاهی به کسی است که در آن قرار گرفته است).

هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حضيض هم می‌توان عزیز بود

وَ بَدَلٌ مَّهَجْتَهُ فَيْكٌ لَيْسَتْ تَقْدُّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةُ الصَّلَاةِ

او (حسین (ع))، خویش را در راه تو داد تا بندگانت را از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد.

بر تالابی از خون خویش / در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای / با جامی از فرهنگ / و بشریت

رهگذار را می‌آشامانی

## درس پنجم: غرث شیران

#### مفاهیم

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب / بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد: سختی و بلا، جغد ویرانگری است که آبه ما بسنده نمی‌کند و شما را نیز خانه‌خراب خواهد کرد / **آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد:** مرگ که همه را، خاص و عام، از بین می‌برد، شما را نیز نابود خواهد کرد / **در مملکت چو غرث شیران گذشت و رفت / این عوعو سگان شما نیز بگذرد:**

# فصل سوم: ادبیات غنایی

## درس ششم: مهر و وفا

### مفاهیم

هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد: هر کسی که از مردان الهی جانب‌داری کند. / حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست: سخن دوست را تنها در پیشگاه محترم دوست می‌گوییم. / دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای / فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد: ای دل، آن گونه زندگی کن که اگر خطا و گناهی کردی، فرشته برایت دعا کند و تو را حفظ نماید. / گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان / نگاه‌دار سر رشته تا نگه دارد: اگر آرزوی توست که معشوق به عهد و پیمان دوستی با تو وفادار بماند، تو نیز به عشق، وفادار باش و ریسمان محبت را نگه دار. / سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری / که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد: وجود و ثروت و دل و روحم فدای آن یاری که به حق هم‌نشینی عشق و وفاداری توجه می‌کند. / سودای آتش بگرفت که آیا در این حقه چه سر است؟: این فکر به ذهنش خطور کرد که در این جعبه چه رازی است؟ / من از تو سر خدای تعالی طلب کردم: من از تو راز خداوند بلندمرتبه را خواستم.

### واژگان

حدیث: ماجرا، روایت، سخن / حقه: محفظه کوچکی که دری جداگانه دارد و برای نگهداری اشیای گران‌بها به کار می‌رود، جعبه، صندوق / سودا: اندیشه، هوس، عشق؛ سودای کاری گرفتن کسی را: هوس کاری به سر کسی زدن / صبا: بادی که از طرف شمال شرقی وزد؛ باد بهاری / معاش: زندگی، زیست، زندگانی کردن / اهل خدا: دینداران، مؤمنان، مردان الهی / حضرت: پیشگاه، عنوانی برای بزرگداشت افراد / نگسلد: رها نکند، قطع نکند. / رشته: ریسمان / صحبت: هم‌نشینی / راهگذار: گذرگاه، محل عبور

### نکات زبانی، ادبی و فکری

املاهای مهم: حقه / زینهار / سودا / معاش و زندگی / راهگذار  
گاهی ضمیر در جایگاه اصلی خود قرار نمی‌گیرد و در جای دیگر می‌نشیند؛ به این جابه‌جایی ضمیر «پرش یا جهش ضمیر» می‌گویند؛ مانند:  
ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟  
در مصراع اول «ت» مضاف‌الیه «نشان» است. (نشانت را از که جویم؟)  
دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد.  
ضمیر «ت» در «فرشته‌ات» مفعول است. (فرشته تو را نگه دارد).  
ایهام: هرگاه کلمه‌ای به چند معنا به کار رود، «ایهام» پدید می‌آید. ایهام از ریشه «وهم» و به معنای «تردید و به گمان افکندن» است.  
نمونه: گفتم که بوی زلفت، گمراه عالمم کرد ← «بو»: ۱ رايحه ۲ آرزو  
شعر «مهر و وفا» سروده حافظ و در قالب غزل است. / «اسرارالتوحید» نوشته «محمدبن منور» است.

دو بیت زیر ارتباط معنایی دارند:  
تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي / گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش  
حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست / که آشنا سخن آشنا نگه دارد  
مفهوم آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» هر کسی به خدا توکل کند، پس او برایش کافی است» در بیت زیر دیده می‌شود:  
هر آن که جانب اهل خدا نگه دارد / خداهش در همه حال از بلا نگه دارد

## درس هفتم: جمال و کمال

### مفاهیم

قرآن مانند است به بهشت جاودان: قرآن مثل بهشت جاودان است / در میان دو ضد جمع بود: دو چیز ضد هم را، کنار هم گرد آورده / در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود: در آغاز اسارت و در چاه افتادن است و در پایان به تخت شاهی رسیدن / خبردهنده از ملک جبار بود: کسی که این قصه را گفته، خداوند صاحب‌اختیار است / نیکوخو، بهتر هزار بار از نیکورو: کسی که باطن و سرشستی نیک دارد هزار مرتبه بهتر از کسی است که زیباروست / از بهر آن که در مقابله جفا، وفا کرد: به این علت بود که در برابر ستم، وفا کرد /

وقتی که فریاد شیرمانند انسان‌های بزرگ و لایق گذشت، این صدای سگ‌مانند شما نالایقان نیز خواهد گذشت / بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد: مرگ که مانند بادی شمع وجود انسان‌های بسیاری را خاموش کرد، چراغ وجود شما را نیز خاموش خواهد کرد / او شما نیز نابود خواهید شد / زمین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد: دنیا مانند کاروان‌سرای است که قافله‌های زیادی از آن گذشته‌اند، قافله شما نیز به ناچار از این دنیا عبور خواهد کرد / ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد: ای پادشاهی که مردم را به حاکمان گرگ‌صفت سپرده‌ای، این دزدنگی حاکمان شما نیز پایان خواهد یافت.

### واژگان

آیت: نشانه / خذلان: خواری، پستی، مذلت / دولت‌آشپان: دولت‌سرا، آشپانه خوشبختی / رحمت: مهربانی، بخشش / طالع: سرنوشت، بخت / علم کردن: مشهور کردن، سرشناس کردن / مایسوا: مخفف مایسوی‌الله، آن چه غیر از خداست، همه مخلوقات / محنت: غم و اندوه / مفتخر: سربلند، صاحب افتخار / هما: پرنده‌ای از راسته شکاریان، دارای جثه‌ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به همین دلیل، نماد سعادت به شمار می‌آید. / مسکین: بیچاره / مدارا: خوش‌رفتاری / ابوالعجایب: شگفت‌آور، صاحب شگفتی‌ها / پاک‌باز: وارسته، دوست صادق / مُلک: سرزمین / لسان غیب (لسان‌الغیب): حافظ / مرغ یاق: مرغ حق، نوعی جغد که هنگام آوازخواندن گویی کلمه «حق» را تکرار می‌کند.

### نکات زبانی، ادبی و فکری

املاهای مهم: غزش شیران / عوعو سگان / محنت / سنان / خذلان / همای رحمت / ابوالعجایب / علم و پرچم  
در گذشته فعل «گشتن» در دو معنی «از بین بردن» و «خاموش کردن» به کار می‌رفته است؛ مثال: گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت (از بین برد) / بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت (خاموش کرد)  
«بخت و طالع» و «رونق و اعتبار» مترادف‌اند.  
مفاهیم کنایی: «چیزی را سپر خود کردن» ← دفاع کردن از خود به وسیله چیزی / «سختی کمان» ← قدرتمندبودن  
استعاره: «مشبه» و «مشبه‌به» دو طرف اصلی تشبیه هستند. هرگاه یکی از آن‌ها حذف شود «استعاره» پدید می‌آید.  
۱ مثال برای حذف مشبه:  
بر کن ز بن این بنا که باید  
«بنا» استعاره از ظلم  
در مملکت چو غزش شیران گذشت و رفت / این عوعو سگان شما نیز بگذرد  
«شیران» استعاره از انسان‌های لایق و «سگان» استعاره از انسان‌های نالایق.  
بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد  
«باد» استعاره از مرگ؛ «شمع» استعاره از انسان و «چراغدان» استعاره از انسان‌های نالایق.  
۲ مثال برای حذف مشبه‌به:  
خورشید شکفت (خورشید مانند گل شکفت).  
مشبه ادات مشبه‌به وجه شبه تشبیه

مرگ بر شهر می‌بارید (مرگ مانند باران می‌بارید).  
مشبه ادات مشبه‌به وجه شبه تشبیه  
به متن‌هایی که فریاد مظلومیت آزادی‌خواهان را به گوش می‌رساند و خواننده را به ایستادگی، مبارزه و سازش‌ناپذیری در برابر ظلم فرامی‌خواند، «ادبیات پایداری» یا «ادب مقاومت» می‌گویند.  
«غزش شیران» سروده «سیف فرغانی» شاعر قرن هفتم و در قالب «قصیده» است. / «باز این چه شورش است» سروده «محتشم کاشانی» است.  
در بیت «ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد» منظور از «رمه» مردم، «چوپان گرگ طبع» حاکمان ظالم و «گرگی شبان» ظلم و ستم است.  
حدیث «الدَّهْرُ يَوْمَانِ، يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ» (دنیا دو روز است، روزی با تو و روزی بر تو) با بیت «ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد» ارتباط مفهومی دارد.  
آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (هر موجودی طعم مرگ را می‌چشد- آل عمران / ۱۸۵) با بیت «آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد» ارتباط مفهومی دارد.  
بیت «ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما / بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان» با بیت «چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد» ارتباط مفهومی دارد.